* **امامتِ کودک![[1]](#footnote-1)**

يکي از اماماني که در کودکي به مقام امامت رسيد ، امام زمان(عج) است. در پاسخ به اين پرسش که آيا ممکن است که يک کودک امام شود، به قرآن کريم، مراجعه مي‌کنيم.

**امامت به سن و سال نيست**

در قرآن آمده است: وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا:[[2]](#footnote-2) و ما فرمان نبوّت (و عقل کافى) را در کودکى به او (حضرت يحيي ع )داديم.

«صبي» يعني کودک. چون امامت کيلويي نيست، متري نيست، سني نيست، برقي است که از غيب وصل مي‌شود؛ ممکن است اين برق به لامپ کوچکي وصل شود، ممکن است به لامپ بزرگي وصل شود؛ اما اين برق هر جا که وصل شد، نور مي‌دهد و لذا لامپ کوچکي که به آن برق وصل شود نور دارد، اما لامپ بزرگي که به آن برق وصل نشود، نور ندارد. بنابراين امامت مربوط به سن و وزن و حجم نيست.

حتماً زماني که سوار هواپيما مي‌شويد، ديده‌ايد که بعد از نشستن هواپيما يک ماشين کوچک جلو مي‌رود و اين هواپيماي بزرگ، عقب اين ماشين کوچک حرکت مي‌کند. يعني يک ماشين کوچک مي‌شود رهبر يک هواپيماي بزرگ. يک سوئيچ کوچک، يک ماشين بزرگ را روشن مي‌کند. بنابراين همه چيز با حجم و بزرگي، اندازه نمي‌شود. گاهي يک قرص کوچک شفا مي‌دهد، اما يک ديگ‌ ظرف بزرگ از شربت شفا نمي‌دهد. گاهي يک درخت کوچک پر از ميوه است، گاهي يک درخت چنار قدّ منار، هيچ ميوه‌اي ندارد. مسائل را سطحي و کيلويي نبايد نگاه کرد.

**بر اساس ظواهر قضاوت نکنيم!**

خيلي‌ها مي‌گويند: « بابا اين به قد و قيافه‌اش نمي‌خورد که فلان کار خوب را کرده باشد». بسياري از قضاوت‌هاي ما قضاوت‌هاي کيلويي است! به يک کسي گفتند بيمارستان نيروي دريايي کجاست؟ يک خورده فکر کرد و گفت بيمارستان نيروي دريايي؟ لابد کنار دريا است. چون اسم بيمارستان، نيروي دريايي است، گفت لابد جايش هم کنار درياست!

امام جواد(ع) را بارها امتحان کردند، حدود سي هزار مسئله از ايشان پرسيدند، همه را بدون تأمل جواب دادند. در مجلسي، فردي از اين که يک بچه به همه مسائل آگاه باشد متعجب شده بود. امام جواد(ع) متوجه تعجب فرد شده و بيان کردند: «اگر خدا اراده کند، اين همه علم را حتي به يک پشه بدهد، مي‌دهد.»

انرژي هسته‌اي يعني چه؟ گاهي وقت‌ها خداوند در ذراتي بسيار کوچک، انرژي قرار مي‌دهد. خدا اراده کرده اين قدرت را در يک سلول و گاهي در يک اتم قرار دهد. به هر حال امامت يعني اراده خدا ، آيت خدا. البته خداوند، بي‌دليل چيزي را به کسي نمي‌دهد و همه کارهاي او بر اساس حکمت است.

**شرايط امامت در دعاي ندبه**

در انتخاب امام، اسراري نهفته است، اما اين‌که اسرار پشت پرده امامت چيست، برخي از آنها در ابتداي دعاي ندبه، بيان شده و مي‌فرمايد: «شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ؛ شرط کردي بر آنان‌که نسبت به مقامات دنيا بي رغبت باشند». اولين شرط امامت، داشتن زهد است، يعني دنيا طلب، دنيا پرست و دنيا گرا نباشند. بعد مي‌فرمايد: «وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفاءَ؛ و تو وفاي آنان را به عهد و پيمان دانستي». خدا هم علم دارد که اوليايش وفا مي‌کنند. براي همين: « فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِىَّ وَالثَّناَّءَ الْجَلِىَّ؛ پس آنان را پذيرفتي و نزديکشان گردانيدي پيشاپيش براي آنان ذکر و آ‌وازه بلند، ثنا و ستايش آشکاري را مقرر نمودي».

ما در نبودمان کليد خانه را به چه کسي مي‌دهيم؟ کليد خانه‌ را به کسي مي‌دهيم که يک چيزي از خانه بيرون نبرد، دزدي نکند، خانه را کثيف نکند، سوء استفاده نکند، کليد را به ديگري هم ندهد. بازاري‌ها به چه کسي وام مي‌دهند؟ به چه کسي نسيه مي‌دهند؟ به کسي که مي‌دانند چکش برنمي‌گردد و اعتبار دارد.

حالا آيا مي‌توانيم بگوييم حالا که به فلاني نسيه دادي به من هم بده؟ خير. چون ممکن است يک نفر با گرفتن ميليون‌ها تومان فرار نکند و ظرفيت داشته باشد که آن را حفظ کند و کم کم برگرداند، اما فرد ديگري، حتي با گرفتن يک جفت کفش پا به فرار بگذارد. بنابراين ظرفيت‌ها مهم است: اللهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ:[[3]](#footnote-3) خدا مي‌داند که پست و مقام‌ها را به چه کسي بدهد. پس پشت پرده هر اتفاقي، ماجراهايي نهفته است.

**سکوت دشمن نشانه حقانیت مهدی(عج)**

... امامي که در کودکي به پيشــوايي روحي و فکــري مردم رسيـده، و مسلمـانـان ـ حتي در کشــاکش آن همه موج ويرانگر ـ باز خويشتنِ خويش را به پيروي و دوستي او گماشتند، به طور مسلّم بايد از دانش و آگاهي و گستردگي ديد و دانا بودن به فقه و تفسير و عقــايد، بهره‌اي آشکــار و چشمگير داشته باشد؛ چــون در غيــر اين صورت، نمي‌تــوانست مــردم را به پيروي از خويش وادارد… . به فرض مُحال که مردم نتوانستند حقيقت و واقــعيت امــر را دريابند، دستگاه خلافت و نيروي حاکم که آن همه دشمني علني با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقيقت نيانداخته است؟ اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالي برخوردار نبود، خلفاي معاصر، خيلي خوب مي‌توانستند جنجال به پا کنند؛ امّا سکوت آن‌ها و سکوت تاريخ، گواه است که امامت در سنين کــم، پديده‌اي حقيقي بـوده است، نه ساختگي.[[4]](#footnote-4)

**نمونه هایی از امامت در کودکی**

روايـت‌هــا و شواهد تاريخي فراوان، گوياي آن است که پيش از حضرت مهدي(عج) در ميـان امامــان دوازدهگــانه، نخستين پيشوايي كه در سن كودكي به امامت رسيد، جواد الائمه(ع) بود. او كه نهمين پيشـواي شيعيــان و يگــانه فــرزند حضرت رضــا(ع)، بود در روز دهم رجب ســال 195ق در مدينه چشم بــه جهــان گـشوده، در هفت سالــگي بـه مقــام امامت رسيد.[[5]](#footnote-5) از آن‌جا كـه اين مسأله در دوران امامت بي‌سابقه بود، در ابتدا برخي بدان اعتراض کردند؛ ولي رفته رفته با هدايت‏هاي امام رضا(ع) و کرامت‌هايي از خود آن حضرت، دل شيعيان آرام گرفت.

معمّر بن خلاّد گويد: از امام رضا(ع) شنيدم مطلبي درباره امر امامت بيان كرد و سپس فرمود:

«ما خانداني هستيم كه خردسالانمان مو به ‏مو از بزرگسالان‏مان ارث مي‏برند».[[6]](#footnote-6)

اين روايت، به روشني بيانگر آن است كه مقام امامت، به كمي و يا زيادي سن ربطي ندارد.

ابوبصير گويد: خدمت امام صادق(ع) رسيدم، در حالي که کودک نابالغي عصاکش من بود. حضرت به من فرمود: چگونه خواهيد بود زماني که حجت بر شما هم سال اين کودک باشد؟»[[7]](#footnote-7) يا فرمود: «همسال اين کودک بر شما ولايت داشته باشد».[[8]](#footnote-8)

صفوان‌ بن يحيي گويد: به امام رضا(ع) گفتم: پيش از آن‌كه خدا ابوجعفر را به شما ببخشد، درباره جانشينتان از شما مي‏پرسيديم و شما مي‏فرموديد: «خدا به من پسري عنايت مي‏كند». اكنون او را به شما عنايت كرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خداي ناخواسته براي شما پيش آمدي پديد آيد به كه ‏بگرويم؟» حضرت با دست به ابو‏جعفر كه برابرش ايستاده بود، اشاره فرمود. عرض كردم: «قربانت شوم! اين پسر، سه ‏ساله است». فرمود:

چه مانعي دارد؟ عيسي سه ساله ]کمتر[ بود كه به حجّت قيام كرد.[[9]](#footnote-9)

اگر چه برخي برابر اين اراده از خود واکنش‌هاي نامناسبي نشان دادند، اما کم نبودند انسان‏هاي وارسته‌اي كه برابر اين خواست الهي، در کمال تواضع سر فروتني و پذيــرش فــرود ‏آورده، بــا خشنودي کامل آن را ‏پذيرفتند. از جمله ايشان، علي‌ بن جعفر بن محمد، عموي امام رضا(ع) بود که در كهولت سن، برابر امام جواد(ع) در نهايت فروتني بر پيروي از ايشان تأکيد مي‌كرد.[[10]](#footnote-10)

از اين‌جا بود که پيروان راستين اهل بيت(ع) با اين باور كه مقام امــامت امــري فــراتر از محاسبات ظــاهــري است در امــامت امــام هادي(ع)، با اطمينان بيشتري آن را پذيرفتند؛ چرا که ايشان نيز در سنّ هشت‌سالگي به امامت رسيد.[[11]](#footnote-11)

از آن‌جا که شرايط امامت حضرت مهدي(عج)متفاوت بود، ترديدهايي در ذهن شيعه پديد آورده، كار امام حسن عسكري(ع) را مشكل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن كمتر از ديگر امامان به امامت رسيد، بلکه ولادتش نيز به خاطر مصالحي پنهاني بود و تا زمان امامت، جز اندکي، جمال دل‌آراي او را نديده بودند. البته حافظه شيعه‌، آموزه‌هاي پيشوايان معصوم(ع) پيشين را که با اقداماتي مناسب، براي اين امر زمينه ســازي کــرده بودند[[12]](#footnote-12)، هرگـز فراموش نکرده بود.

**کودکان نابغه**

شايان ذكر است كه افزون بر پيامبران و پيشوايان معصوم(ع) که بــه تأييــد الهـي داراي ويژگي‌هاي خــاصي هستند، بيــن انسان‌هــاي معمولي نيز کســاني يـافت مي‌شوند که داراي نبوغ خاصي هستند که آن‌هـا را از ديگران متمــايز مي‌کند. يکي از پژوهشگران معاصر، پس از بيان آيات و روايات، کودکان نابغه‌اي را مؤيد رخداد فوق ياد کرده، افرادي چون ابــو علي سينا، فــاضل هندي، توماس يونگ، را فقط نمونه‌اي از اين‌گونه انسان‌ها دانسته است.[[13]](#footnote-13)

1. . محسن قرائتی و خدامراد سلیمیان [↑](#footnote-ref-1)
2. . مريم(19)،12. [↑](#footnote-ref-2)
3. . أنعام(6)، 124 [↑](#footnote-ref-3)
4. . جست‌و‌جو و گفت‌و‌گو پيرامون امام مهدي(عج)، ص47ـ48. [↑](#footnote-ref-4)
5. . الارشاد، ج2، ص273. [↑](#footnote-ref-5)
6. .«مَا حَاجَتُكُمْ إِلَي ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَ صَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْقُذَّةَ بِالْقُذَّة»؛(كافي، ج1، ص320، ح2). [↑](#footnote-ref-6)
7. . به نظر مي‌رسد مقصود آن حضرت، امام جواد(ع) بوده است. اگر چه مي‌تواند اشاره به امامت حضرت مهدي(عج) نيز باشد. [↑](#footnote-ref-7)
8. .«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا احْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ؟، أَوْ قَالَ: سَيَلِي عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ»؛(کافي، ج1، حالات الأئمة(عج) في السن، ح4). [↑](#footnote-ref-8)
9. .«وَ مَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عِيسَي(ع) بِالْحُجَّةِ وَ هُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ»؛( همان، ج1، باب الاشارة والنّص علي ابي جعفرالثاني). [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان، ج2، ص322، ح12. [↑](#footnote-ref-10)
11. . ر.ک: الارشاد، ج2، ص297. [↑](#footnote-ref-11)
12. . غیبت نعمانی، ص322، ح1. [↑](#footnote-ref-12)
13. . دادگستر جهان، ص123- 124. [↑](#footnote-ref-13)